

تأثیر امنیت بر اجتماع‌پذیری فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در منطقه ۲ شهر ایلام^۱

بنت‌الهدی نثاری*، عبدالحمید قنبران**، آرش نادمی***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۸/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۰/۲۰

چکیده

زندگی آپارتمان‌نشینی در قرن حاضر به یک مسئله اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. ساکنان این فضاها به دلیل مساحت کم واحدهای مسکونی خود، نیاز به استفاده از فضای باز را بیشتر حس می‌کنند. در این فضاها توجه به مراجعه‌ی افراد و استفاده از آن ضرورت توجه به عوامل اجتماعی را پررنگ‌تر می‌نماید. ایجاد عوامل موثر بر اجتماع‌پذیری در طراحی این فضاها باعث افزایش مراجعه‌ی افراد می‌گردد. امنیت یکی از عواملی است که بر حضور یافتن و ماندن افراد در یک مکان موثر است. با توجه به اینکه در شهر ایلام سرانه فضای باز عمومی کم می‌باشد و افزایش این سرانه در داخل شهر امکان‌پذیر نیست زیرا در طرح تفصیلی این شهر فضای باز عمومی در نظر گرفته نشده، بنابراین افزایش سرانه‌ی فضای باز نیمه عمومی و خصوصی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. نگارندگان با استفاده از مطالعه‌ی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی-پیمایشی، به طرح و توزیع پرسشنامه ۱۸ سوالی، بصورت تصادفی در بین ۱۵۰ نفر از ساکنان مسکن مهر ۹۰۰ واحدی مشاغل آزاد، در محله‌ی جانبازان شهر ایلام، با هدف بررسی تأثیر عوامل موثر بر اجتماع‌پذیری در فضای باز مجتمع‌های مسکونی پرداخته و نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه توسط نرم افزارهای "اس.پی.اس.اس" و "آموس نشان" می‌دهد که با افزایش امنیت در فضای باز مجتمع‌های مسکونی، امکان حضور ساکنین در آن بیشتر شده و در نتیجه اجتماع‌پذیری افزایش می‌یابد. عوامل کالبدی افزایش امنیت نظیر محصوریت، عدم حضور افراد غیرساکن، کف‌سازی و مبلمان مناسب، نورپردازی مناسب شبانه.

واژگان کلیدی

اجتماع‌پذیری، مجتمع مسکونی، فضای باز مجتمع‌های مسکونی، امنیت

* کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. Bh.Nesari@yahoo.com

** دکتری معماری، استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

*** دکتری آمار، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه ریاضی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

۱- مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی کارشناسی ارشد نگارنده‌ی اول به راهنمایی دکتر عبدالحمید قنبران و مشاوره‌ی دکتر آرش نادمی می‌باشد.

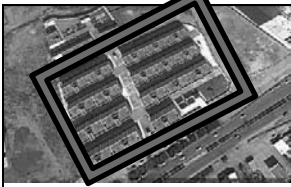



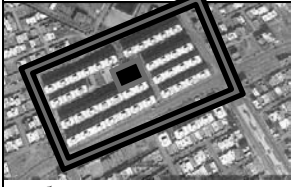



مقدمه

پس از انقلاب صنعتی و خصوصاً در طول قرن بیستم، به خاطر توسعه شهرنشینی، توسعه‌ی صنعتی و گسترش بی‌سابقه‌ی شهرها و مناطق ساخته شده که آثار تخریبی زیست محیطی و بصری عمده‌ای به دنبال داشت، هدف نجات شهرها از چنین وضعی، مدنظر نظریه‌پردازان و طراحان شهری قرار گرفت. این تفکرات، توجه به کیفیت محیط شهرها را از اهداف اصلی طراحی شهری می‌داند. برای اینکه شهرها قابلیت زندگی پیدا کنند، باید شرایط یک اکوسیستم طبیعی را از نظر رطوبت، دما، نور، ترکیبات هوا و تبادل آن دارا باشند (بحرینی، ۱۳۸۲: ۲۴۰ و ۲۴۱). زندگی ماشینی و دوری انسان از طبیعت در دوره معاصر موجب گردیده است که تعادل بین انسان و طبیعت از بین برود (سلطان‌زاده: ۱۳۸۵، ۱۳۵). آنچه در دانش طراحی شهری برای فضای باز شهری ارزش می‌باشد، نقش اجتماعی و تعاملی است که این فضا در زندگی جمعی شهروندان ایفا می‌کند (خدائی و رفیعیان، ۱۳۸۸: ۲۲۹). آنچه امروز این فضاها را جدی‌تر مطرح ساخته، حضور بیشتر در آن هاست (رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۷). وجود فضاهای عمومی با دارا بودن ویژگی اجتماع‌پذیری، مکمل مهمی در جهت اجتماعی شدن افراد هستند (مردمی و قمری، ۱۳۹۰: ۴۰). فرایند اجتماع‌پذیری، با برقراری تعامل و ارتباطات اجتماعی بین بهره‌برداران هر فضای عمومی و مشترک معماری قابل حصول است و قابلیت شرکت موثر در تعامل با دیگران، در زندگی خصوصی و عمومی و حرفه‌ای انسانها، از اهمیت حیاتی برخوردار است. بنابراین فضاهای عمومی معماری به عنوان بستری در جهت بهبود ارتباطات و رشد تعاملات اجتماعی افراد می‌بایست از منظر اجتماع‌پذیری مورد ملاحظه قرار گیرند (فرگاس، ۱۳۷۹: ۱۲). در قلمرو نیمه خصوصی-نیمه عمومی روابط مذکور را می‌توان در صورتی حفظ کرد که ابزار برای بیرون نگاه‌داشتن آنانی که متعلق به آن فضا نیستند فراهم شود. این فضاها بنابر طبیعتشان، حتماً بدین منظور ساخته شده‌اند که توسط همگان قابل دسترسی نباشند و بدین ترتیب این فضاها نسبت به مراکز شهر که غیرشخصی هستند، کمتر عمومی هستند؛ نوعی فضاهای مشروط شده هستند که برای برخی از افراد منافع به همراه دارند و برخی دیگر را از دسترسی به آن ممنوع می‌کنند (مدنی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۷۰). مسئله اجتماع‌پذیری در فضای معماری در ارتباط با ایجاد روابط اجتماعی مطلوب، در ارتباطات فردی و گروهی مطرح می‌شود (صالحی‌نیا و معماریان، ۱۳۸۸: ۸). مردم شهر ایلام دارای روابط خانوادگی و فامیلی بسیار هستند. زندگی در واحدهای کوچک آپارتمانی رفت و آمد افراد فامیل را کمتر خواهد نمود. همینطور در جامعه کنونی روابط همسایگی رو به کاهش می‌نهد و هر چه پیشتر می‌رویم افراد تعامل کمتری با یکدیگر دارند. بنابراین ایجاد فضای باز مجتمع‌های مسکونی اجتماع‌پذیر، باعث ایجاد تعامل بیشتر ساکنین مجتمع خواهد شد.

جمعیت شهر ایلام در طرح جامع آن، تا سال ۱۴۰۰، ۲۲۵۰۰۰ نفر پیش‌بینی گردیده است که در این طرح سرانه‌ی پیشنهادی برای فضای سبز عمومی برای هر نفر ۷/۶۶ مترمربع می‌باشد (طرح تفصیلی شهر ایلام، ۱۳۸۰: ۴۶). با توجه به کم بودن سرانه‌ی فضای سبز عمومی درون شهری در این شهر و نبود زمین در داخل بافت شهر جهت اختصاص به این کاربری، نیازمند توسعه فضاهای باز خصوصی و نیمه عمومی در سطح شهر می‌باشیم. بررسی وضع موجود مجتمع‌های مسکونی شهر ایلام نشان می‌دهد با وجود ساخت بیشتر این مجتمع‌ها در دهه‌ی اخیر، بجز یک مورد؛ همگی فاقد فضای باز برای گذران اوقات فراغت ساکنین هستند.

نیاز به امنیت، همواره از بنیادی‌ترین نیازهای انسان در جامعه بشری به شمار می‌رود و امروزه از شاخصه‌های کیفی زندگی در شهرها است. از آن‌جا که فضاهای شهری امروزی، مولفه‌ای برای وقوع نابهنجاری‌های شهری و در نتیجه عدم وقوع امنیت در شهر می‌باشد (قرایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸). اولین ضامن شکل‌گیری رابطه اجتماعی، امنیت است (عسگری‌تفرشی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲). امنیت را می‌توان از دو بعد عینی و بعد ذهنی بررسی کرد. بعد عینی به مولفه‌های فیزیکی و کالبدی و بعد ذهنی به مولفه‌های اجتماعی باز می‌گردد (علائی، ۱۳۹۱: ۴). در پژوهش حاضر مطابق با فرضیه، به تاثیر بعد عینی امنیت در اجتماع‌پذیری فضای باز مجتمع‌های مسکونی خواهیم پرداخت.

جدول ۱. وضع موجود فضای باز مجتمع‌های مسکونی شهر ایلام. ماخذ: نگارندگان

			
مسکن مهر-محلّه جانبازان -سال ساخت: ۱۳۸۹	مسکن مهر-محلّه جانبازان -سال ساخت: ۱۳۹۰	مسکن مهر بهزیستی و کمیته امداد-سال ساخت: ۱۳۸۹	مسکن مهر فرهنگیان-سال ساخت: ۱۳۹۰
			
مجتمع ۱۵۰۰ واحدی مشاغل آزاد -سال ساخت ۱۳۸۹	مسکن مهر-محلّه جانبازان -سال ساخت: ۱۳۹۰	مسکن مهر-محلّه جانبازان -سال ساخت: ۱۳۸۹	مجتمع مسکونی میلاد نور— سال ساخت: ۱۳۸۲

سؤال تحقیق

چه رابطه‌ای بین اجتماع‌پذیری در فضای باز مجتمع‌های مسکونی و امنیت وجود دارد؟

فرضیه تحقیق

افزایش مولفه‌های امنیت مانند محصوریت فضا، اشرافیت ساکنین، کف‌سازی با مصالح مناسب، نفوذپذیری بصری و نورپردازی مناسب شبانه در افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی موثر می‌باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی و به لحاظ روش از نوع پیمایشی می‌باشد؛ با استفاده از روش گردآوری اطلاعات میدانی از نوع پرسشنامه‌ای بخشی از اطلاعات جمع‌آوری و با نرم افزارهای "اس.پی.اس.اس" نگارش ۱۹ و آموس^۲ نگارش ۱۸ تحلیل شده‌اند. به منظور تکمیل اطلاعات، از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای استفاده شده است.

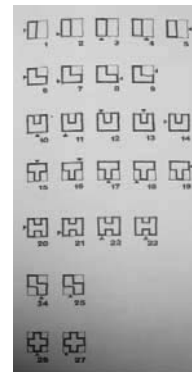
پیشینه پژوهش

تاریخچه فضای باز در خانه‌های اولیه ایران و جهان

در سکونتگاه‌های باستانی، خانه‌ها بسیار نزدیک به هم قرار داشتند و بدنه‌ی هر خانه نقش دیوار دفاعی را داشت. به دلیل شرایط اجتماعی آن زمان، قسمت خصوصی خانه رو به فضای باز مرکزی خود داشت (به شکل حیاط مرکزی). این رفتار به منظور تامین امنیت و ایجاد حریم خصوصی و خلوت بود (پوردیهیمی، ۱۳۸۲: ۳۸). کامبی، طرح‌های پلان در خانه‌های مسکونی یک حیاطه، به فرم‌های I, L, U، طرح‌های Z, T, H شکل برای ساختمان‌های دو حیاطه و طرح صلیبی برای ساختمان‌های با حیاط خطی را پیشنهاد می‌دهد (کامبی، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

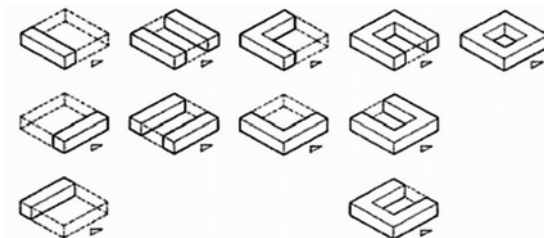
1 Spss

2 Amos



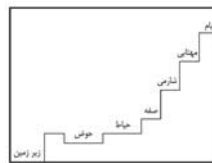
شکل ۱. طرح پلان‌های مسکونی برای خانه‌های حیاط دار طبق نظر کامبی. ماخذ: کامبی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۲۴.

محققان آمریکایی، تیس، شروود، و پلی زویدس، خانه‌های حیاطدار لس‌آنجلس را بر حسب نحوه‌ی اشغال زمین، به خانه‌های یک سویه، دوسویه، Lشکل، Uشکل و حیاط مرکزی دسته‌بندی کرده‌اند (شکل ۲). محققان آلمانی پفایفا و برانک در کتاب گونه‌شناسی خانه‌های حیاطدار، خانه‌ها را به گروه‌های خانه‌هایی با باغ مرکزی، خانه‌های L شکل، خانه‌های پاسیودار و خانه‌های آتریوم دار تفکیک کرده‌اند (عینی فر و قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۳۷).



شکل ۲. گونه‌شناسی خانه‌های حیاطدار لس‌آنجس بر حسب همنشینی فضای باز و بسته. ماخذ: عینی فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۷.

در خانه‌های سنتی ایرانی، حیاط اصلی‌ترین فضای باز خانه به حساب می‌آید. به غیر از حیاط، طیف متنوعی از فضاهای باز در ارتفاع‌های متفاوت (نمودار ۱) وجود دارد و به کمک فضاهای واسطی همچون صفا، شارمی و طارمی، فضای درون و بیرون با یکدیگر تلفیق شده و گسترش می‌یابد. در بعضی از فصول، بسیاری از عملکردهای فضاهای داخلی همچون خوابیدن، خوردن و پذیرایی به حیاط منتقل می‌شود. حضور درخت و آب در حیاط الزامی بود به نحوی که از حیاط به عنوان گزیده‌ای از بهشت در خانه‌ی ایرانی یاد شده است (عینی فر و قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۳۸).



نمودار ۱. انواع فضای باز در سطوح ارتفاعی متفاوت در حیاط سنتی ایرانی. ماخذ: حائری، ۱۳۸۸: ۱۲۰.

تارخچه‌ی پیدایش مجتمع‌های مسکونی در ایران و جهان

در سال ۱۹۲۵، هنگام برپایی نمایشگاه بین‌المللی هنرهای تزئینی در پاریس، لکوروبوزیه نمونه‌ی اولیه‌ی آپارتمانی را به معرض تماشا گذارد. بدین ترتیب، روحیه‌ی عصر مدرن نه از طریق نمادی یادواره‌ای بلکه به وسیله سکونت‌گاهی برای انسان عادی تشریح گردیده بود (شولتز، ۱۳۹۲: ۱۶۹). آپارتمان نشینی را می‌توان از مهم‌ترین تحولات در فرآیند اسکان بشر در شهرها دانست که به فرم غالب مسکن شهری در دوران معاصر تبدیل شده است. مجتمع‌های مسکونی که زمانی قرار بود با قرارگیری در میان فضاهای سبز و زیبا و کم تراکم، محیط‌هایی باکیفیت و بستری مطلوب برای تعاملات اجتماعی

ساکنین ایجاد کنند، به تدریج به مجتمع‌هایی آپارتمانی با تراکم بسیار بالا تبدیل گردیدند (کشفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸). منشا مجتمع‌های مسکونی به فرم امروزی را می‌توان در دوران پس از انقلاب صنعتی یافت که در نیمه دوم قرن نوزدهم، از دست رفتن سلامت و بهداشت و بحران‌های مداوم و برخوردهای اجتماعی فراوان، متفکرین اجتماعی را وادار به اندیشیدن برای انتظام بخشی به وضعیت نامطلوب شهرها نمود. به عقیده این افراد، ایجاد تغییر و رسیدن به نظمی جدید در مقابل هرج و مرج موجود بر اساس شرایط جدید اجتماعی-اقتصادی ضروری بود و برای ایجاد این تغییر تئوری‌های این افراد بر مبنای نظم دادن به اسکان افراد به عنوان مهم‌ترین اصل مورد توجه قرار گرفت. در این راستا، تفکر ایجاد چندین اجتماعات الگو با هدف تامین بهداشت، سادگی، سلامت و ایمنی برای ساکنان (شوای، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۶) و تبدیل شهر به فضای سبز (کامی و دیگران، ۱۳۸۲: ۸)، مورد توجه قرار گرفت. از ابتدای قرن بیستم، دو دیدگاه متضاد واحدهای مسکونی لوکوروبوزیه و واحد همسایگی یا محله‌ی پیشنهادی کلارنس پری برای واحد همسایگی مطرح گردید، که آثار کالبدی و اجتماعی مهمی بر شکل‌گیری محله و طراحی مجتمع‌های مسکونی بعد از خود نهادند. لوکوروبوزیه واحد مسکونی ماری شامل ۳۳۰ واحد مسکونی در ساختمان ۱۷ طبقه در محیط سبز وسیعی با فروشگاه، مهدکودک و مابقی امکانات عمومی در درون آن طراحی کرد. این مجتمع مسکونی هفده طبقه، به صورت یک محله‌ی خودکفا و پاسخگوی نیاز کاربران است. کلارنس پری الگوی در سطح واحد همسایگی را به منزله‌ی محیطی اجتماعی-کالبدی برای توسعه‌ی مناطق مسکونی شهری پیشنهاد کرد (عینی‌فر، ۱۳۸۶: ۴۱). در آمریکا، کلارنس پری مشغول فعالیت روی مسائل واحدهایی متشکل از خانه‌ها و تسهیلات خدماتی آنها بود وی نظریات خود را در سال ۱۹۲۳ تحت عنوان "واحدهای همسایگی" منتشر نمود که کلارنس اشتاین و هنری رایت آن را در رادبرن نیوجرسی آمریکا اجرا نمودند (اوستروفسکی، ۱۳۹۰: ۹۳-۱۱۴). در این میان، اختصاص زمین به فضای باز و سبز و تامین خدمات کافی برای ساکنان مجموعه‌های آپارتمانی کاهش یافت و احداث مسکن بلندمرتبه با حداکثر تراکم شدت گرفت. در دهه ۱۹۷۰، با افول مکتب مدرنیسم، سبک جدیدی در معماری و شهرسازی ایجاد گردید که نقطه‌ی اوج این تفکرات نو در بیانیه کنگره جهانی معماران در سال ۱۹۷۶ در ونکوور کانادا منعکس شد که با اختصاص دادن محور کار خود به طراحی مسکن و فضای باز به این موارد اعتنا نمود: ۱- بایستی با ارتفاع کم تراکم بالا بوجود آورد- ۲- بایستی در طراحی مسکن به تامین فضای باز و سبز مناسب و مطلوب اهمیت بیشتری داد (دلال پورمحمدی، ۱۳۷۵: ۵۷۷).

ساخت مجتمع‌های مسکونی در ایران از دهه‌ی ۱۳۳۰، با رشد شهر و افزایش مهاجرت به تهران، با ساخت مجتمع‌هایی همچون کوی نارمک و نازی آباد آغاز شد (عینی‌فر، ۱۳۸۴: ۳۱). در شهر ایلام نیز ساخت مجتمع‌های مسکونی بیشتر به صورت خصوصی می‌باشد و از دهه‌ی ۱۳۵۰ با ساخت مجتمع‌هایی همچون کوی اساتید آغاز شد. بر اساس پلانهای برداشت شده مجتمع‌های مسکونی این شهر به ۳ گروه اصلی پراکنده، نواری و متمرکز قابل تفکیک هستند (اسناد موجود در بایگانی شهرداری شهر ایلام، ۱۳۹۲).

مطالعات مشابه صورت گرفته در ایران و جهان

- پروژه خانه‌سازی پروت ایگو^۳ در سنت لوئیس، شامل ۳۰۰۰ واحد، مسکن بلند مرتبه بوده که تنها پس از گذشت ۱۰ سال از ساخت آن به عنوان یک مشکل اجتماعی، مطرح و تخریب شد. پیش‌بینی نشدن مولفه‌های امنیت در فضاهای عمومی آن موجب کاهش حضور مردم و تعاملات اجتماعی سازنده گردید و به دنبال آن افزایش میزان تبهکاری، آشوبگری و تضعیف حس محله‌گرایی شده بود (رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۰).
- آمریگو و آرگونز در سال ۱۹۹۰ برای ارزیابی حس رضایت در خانه‌های عمومی مادرید اسپانیا به مطالعه معیارهای عینی و ذهنی در دو سطح کالبدی و روانشناسی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که دل‌بستگی به همسایگی و رابطه با همسایگان بیشترین تاثیر را بر رضایت از محیط دارد. هفت معیار مساحت فضا، تعاملات اجتماعی، امنیت،

تاسیسات زیربنایی، ارتباط با دنیای اطراف، فعالیت‌های شهری، فضای باز طبیعی بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری حس رضایت به مکان در پژوهش وی داشتند (بهزادفر و قاضی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷).

• در یک ساختمان بلندمرتبه در خیابان سنت لویس^۴ در آمریکا، با ایجاد یک فضای تفریحی و جمعی مناسب برای ساکنان، ایستگاه حفاظتی در ورودی ساختمان ایجاد شد. همچنین با استفاده از نرده‌کشی و قرار دادن دروازه در ورودی اصلی، محیطی امن و مناسب برای استفاده‌ی انحصاری افراد ایجاد شد (نیومن، ۱۳۸۷: ۴۲).

• در بعد اجتماع‌پذیری فضا و ابعاد مختلف کالبدی و فعالیتی فضاهای عمومی، چنانچه فرایند اجتماع‌پذیری و ارتقاء حیات جمعی درون فضاهای عمومی را مبتنی بر مراحل پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف، تامین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا، حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا بدانیم در اینصورت می‌توان به ما به ازاهای فضایی چون: دعوت‌کنندگی، امنیت، مطلوبیت، پاسخگویی فعالیتی اشاره نمود (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۸).

• نتایج پژوهش بررسی عوامل ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضای باز مجتمع‌های آپارتمانی با طراحی نمونه موردی در شهر تهران، نشان می‌دهد که هفت عامل موثر در تعاملات اجتماعی فضای باز مجتمع‌های مسکونی عبارتند از: کاربری‌های اجتماع پذیر، امنیت، حریم، مبلمان، مشارکت‌پذیری، دسترسی بصری و کالبدی، چشم انداز در عین عدم اشرافیت (وحیدی، ۱۳۹۱: ۱۰).

• در پژوهش عوامل موثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران) آمده است که فضای اجتماع‌پذیر فضایی است که از مولفه‌هایی چون دسترسی، کالبد مناسب، تنوع فعالیت، امنیت، آسایش و راحتی در حد متناسبی برخوردار باشد (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴: ۹۶).

• نتایج پژوهش میزان سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافتهای قدیمی باهمستانهای شهری؛ نمونه موردی: محله درب نو گرگان عنوان شده است که حیات جمعی در فضاهای عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی، جذب افراد و گروه‌های مختلف، امنیت اجتماعی و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه‌های مختلف در فضا، جامعه‌پذیری بیشتر و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است (نعیمی نظم‌آباد و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

• در نتایج پژوهش بررسی عوامل موثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه باز مجتمع‌های مسکونی (نمونه موردی: مجتمع مسکونی منطقه ۲۲) عنوان شده است که به منظور بهبود سطح و کیفیت تعاملات اجتماعی در طراحی مجتمع مسکونی ایجاد و توسعه فضاهای بازی کودکان به گونه‌ای باشد که امنیت خاطر والدین فراهم شود (خاک زند و بقالیان، ۱۳۹۵: ۲۷).

مبانی نظری تحقیق

رویکردهای نظری مختلفی به فعالیت‌های انسان در محیط پرداخته‌اند. این رویکردها در محور قرار دادن مفهومی کلی یعنی کیفیت زندگی در محیط انسان ساخت مشترکند.

اهمیت کیفیت زندگی در محیط‌های انسان ساخت از سوی بسیاری از نظریه پردازان معماری مورد توجه قرار گرفته است. گیدنز در رابطه با این موضوع بر اهمیت پرداختن به محیط‌های انسان ساخت و مذاقه در چگونگی رابطه آن با طبیعت تاکید می‌ورزد. وی نه تنها از این بابت که محیط‌های انسان ساخت، محیط زندگی روزمره را تشکیل می‌دهند، بلکه به این دلیل که این محیط‌ها بر چگونگی تشکیل فعالیت‌ها در محیط طبیعی، ادراک آن و نیز عمل در برابر آن موثرند آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است و بر لزوم بازنگری چگونگی زندگی در این محیط‌ها تاکید می‌نماید. وی یکی از پیامدهای نوسازی شهری از دست رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است و شیوه زندگی امروزی را مورد انتقاد قرار داده و آن

⁴ St.Louise

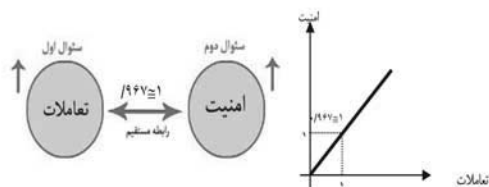
را مایه جدایی انسان و طبیعت دانسته است (بری، ۱۳۸۰: ۱۲۴). دهه‌های اخیر به دلیل تغییر در ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی و نگرش‌های فرهنگی تنوع فزاینده‌ای را در بازار مسکن شاهد بوده، که تأثیر بسیاری بر شکل‌گیری مجموعه‌های مسکونی داشته است. روند رو به رشد تقاضای مسکن و توسعه نگرش تک بعدی و کمیت‌گرا به محیط‌های مسکونی به عنوان تفکر برخاسته از زمینه‌ی اجتماعی و اقتصادی ایران معاصر، سبب شده است در فرهنگ معماری معاصر توجه لازم به مسالهی بنیادین کیفیت محیط‌های مسکونی به معنای واقعی آن اعمال نشود، این مسئله به همراه تأثیر متقابل کیفیت محیط مسکونی بر کیفیت زندگی ساکنان، تعریف جامع و نظام‌مند از کیفیت محیط‌های مسکونی را ضروری می‌سازد (معینی و اسلامی، ۱۳۹۱: ۴۸). زندگی در یک مجتمع مسکونی پر رفت و آمد و شلوغ می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری به ارتباطات اجتماعی ساکنین آن وارد آورد. محققان معتقدند که یکی از اثرات منفی ناشی از تراکم جمعیت، کاهش روابط اجتماعی فرد است. بسیاری از مجموعه‌های آپارتمانی شاهد دوری و بیگانه بودن همسایگان از هم بوده و این در حالی است که از لحاظ فیزیکی نزدیک و از لحاظ روحی، تعاون، همکاری و همدلی کیلومترها با هم فاصله دارند (کشفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹).

انسان موجودی اجتماعی بوده و ارتباطات و تعاملات اجتماعی از نیازهای اساسی اوست. غالباً انسان در تعامل با دیگران است که توانایی‌های خود را می‌شناسد، به خلق معانی می‌پردازد و هویت خود را می‌سازد. رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوند جویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم، با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کند. در عین حال تعامل اجتماعی، نگرش افراد با پیشینه‌های ذهنی و ویژگی‌های متفاوت را به یکدیگر نزدیک می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۷: ۹۵). اهمیت اجتماع‌پذیری فضا به حدی است که بسیاری از نظریه پردازان بر تأثیر این کیفیت بر دلبستگی به مکان زندگی تأکید ورزیده‌اند. طبق این نظرات دلبستگی به مکان نه تنها توسط وجوه فیزیکی در یک مکان تقویت می‌شود بلکه کیفیت تعاملات اجتماعی در مکان نیز بر دلبستگی به مکان موثر هستند (دانشگرمقدم و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۹). توجه به فضاهای باز به عنوان محلی برای برقراری تعاملات اجتماعی و در پی آن افزایش حضور مردم و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی و ایجاد حس مسئولیت در ساکنان نسبت به محل زندگی خود ضروری است (بهزادفر و قاضی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶). تعامل محیطی در دوره‌های مختلف سنی لازم رشد و شکوفایی توانایی‌های فیزیکی، شناختی و خلاقه افراد است و محیط زندگی فرد در این دوران بر شکل‌گیری شاکله وجودی و رشد جسمی و روانی تأثیر قطعی دارد (مظفر و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۰). مطالعه‌ی هر فضای فعالیت بسته به بستر هنجاری و رویدادهای جاری رفتاری در فضا برخوردی خاص را می‌طلبد. محیط‌های اجتماع‌پذیر موجب تشویق و ترغیب تعاملات جمعی می‌گردد (لنگ، ۱۳۸۸: ۵۶). دسترسی به فضاهای عمومی می‌تواند به عنوان یکی از متغیرهای اصلی در قالب بعد فیزیکی قلمروی عمومی نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ اهمیت این مقوله از آن جهت است که این عامل بایستی هم تسهیل‌کننده استفاده از فضا و هم به واسطه اهمیتش در تنظیم کارکردی محیط اجتماعی (نظیر امنیت و ایمنی) تهدیدکننده فضا باشند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که دسترسی به فضاهای عمومی بدون لحاظ کردن جنبه‌های اجتماعی آن، به تنهایی می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های موثر و بازدارنده افزایش میزان مطلوبیت و تقویت تعاملات اجتماعی در یک فضای عمومی باشد (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴: ۳۹). یکی از مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های فضاهای عمومی ایجاد فرصت‌های لازم جهت تعاملات اجتماعی می‌باشد. هنگامی که مردم با سایر افراد جامعه تعامل می‌کنند، رابطه قوی‌تری با مکان و جامعه خود احساس می‌نمایند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۱). طبق مطالعات و تجارب جهانی صورت گرفته درباره‌ی فضاهای عمومی شهر؛ فضاهای عمومی می‌توانند بستری برای توسعه و شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی باشند. این فضاها را در صورت مقبولیت‌پذیری آن‌ها توسط شهروندان، از راه توانمندسازی محیط شهر، واجد کارکردهای خاص اجتماعی دانسته که شامل: مکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، افزایش میزان سرمایه‌های اجتماعی در ساختار شهر، مکان شکل‌دهی به یکپارچگی اجتماعی، عرصه‌ی نمایش و پرورش ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی یک ملت یا قوم هستند. بر این اساس اجتماع‌پذیری از مهم‌ترین عوامل مطلوبیت سنجی

فضاهای شهری به حساب می‌آید. یک محیط مطلوب، مورد استفاده و کاربری اجتماعی قرار می‌گیرد. در فضاهای اجتماعی و عرصه متعامل ارتباطات جمعی باید بر این نکته توجه شود که تنها فضایی، عرصه تعاملات اجتماعی قرار می‌گیرد که مطلوب و مورد خواست اجتماعی قرار گیرد؛ توجه به اقشار آسیب پذیر اجتماعی مانند معلولان و سالمندان نیز در شهر واجد اهمیت است چنانچه افزایش میزان حضور اقشار آسیب پذیر اجتماعی می‌تواند میزان همبستگی اجتماعی و ارتباطات و تعاملات این گروه را نیز با دیگر افراد اجتماع افزایش دهد (حبیب و دیگران، ۱۳۹۱: ۸ و ۷). فضاهای باز مابین ساختمان-های مسکونی، بستر پیوند ساکنان با طبیعت و محل گذران اوقات فراغت در فضای زندگی روزمره است. چنانچه فضای باز مسکونی پاسخگوی نیازها و خواسته‌های فردی و اجتماعی ساکنان در سنین مختلف باشد، می‌توان بخش زیادی از فعالیت-های زندگی را از فضای داخلی به فضاهای باز مجموعه‌ها منتقل و کمبودهای زندگی در واحدهای مسکونی با مساحت کم را تا حدودی جبران نمود. بنابراین، نیاز به بازنگری و توجه ویژه به طراحی فضای باز مجتمع‌های مسکونی به عنوان حیاط مشترک و جمعی، در بسیاری از گونه‌های مسکن امروزی ضروری است (عینی فر و قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۳۶).

بطور کلی خلق یک فضای عمومی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه‌های مختلف باشد مستلزم تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خوانایی و قابل پیش‌بینی بودن فضا، وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی، میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی فضا، تعاملات اجتماعی می‌باشد (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳). مطابق با فرضیه این پژوهش، از ویژگیهای فوق، امنیت به لحاظ کالبدی مورد کنکاش قرار خواهند گرفت.

خرابکاری و بزه‌کاری تاثیر عمده‌ای بر زندگی شهری دارد. تخریب زمین‌های بازی، مبلمان شهری و سایر عناصر عرصه عمومی سالهاست به عنوان یک مسئله مطرح بوده و در بسیاری از جوامع منجر به پایین آمدن کیفیت محیط شده است. بیم از بزه‌کاری موجب شده کودکان موقعیت کمتری برای رفتارهای مستقل پیدا کنند (لنگ، ۱۳۸۷: ۴۹۷). هرچه تعاملات کمتر باشد، امنیت مجتمع مسکونی کمتر می‌شود. برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی در میزان تعاملات اجتماعی و امنیت مجتمع‌های مسکونی موثر است. ساکنان مجموعه‌های مسکونی باید بتوانند فضاهای باز محیط زندگی خود را کنترل کرده و نگذارند بیگانه‌ای به این فضاها تجاوز کند. بنابراین فضای قابل دفاع، فضایی است که تشخیص و کنترل فعالیت‌ها را برای ساکنان آسان می‌سازد (سجادی قائم مقامی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۹).



نمودار ۲. رابطه ی مستقیم دو متغیر امنیت و تعاملات اجتماعی.
ماخذ: سجادی قائم مقامی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۹.

کلیه‌ی دستورات عمل‌های مرتبط با فضای قابل دفاع یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند؛ آنها چهارچوب کالبدی یک محله را به گونه‌ای بازسازی می‌کنند که ساکنان قادر باشند محیط اطراف خانه‌هایشان را کنترل کنند. این محیط شامل خیابان-ها و فضای باز اطراف ساختمان‌های آنها و همچنین فضاهای داخلی (لابی، راهروها و...) می‌باشد. این دستورات عمل‌ها به مردم این امکان را می‌دهد تا از محیطی که ارزش‌ها و سبک زندگی روزمره‌ی خود را در آن جاری می‌یابند، محافظت نمایند. فضای قابل دفاع برخورداری و مشارکت مردم تکیه دارد و در مقابل کاهش حمایت دولت آسیب پذیر نیست. میزان درگیر شدن ساکنان با مسائل موجود در محیط پیرامون محل سکونتشان، می‌تواند در کاهش میزان جرم تاثیرگذار باشد. فضای قابل دفاع این قابلیت را دارد که مردم با سطوح متفاوت درآمدی و از نژادهای گوناگون را در یک رابطه‌ی انتفاعی دو طرفه گرد هم آورد (نیومن، ۱۳۸۷: ۲۳). کنترل دسترسی‌ها و محدودسازی آنها، تغییر یا اصلاح کالبدی، نظارت بصورت مکانیکی (روشنایی و دوربین) و طبیعی (روزنه‌ها، پنجره‌ها و موانع طبیعی)، روشنایی و نحوه نورپردازی در شب، از اقداماتی است که می‌توان کالبد فیزیکی شهر را برای تقویت و ارتقا حس امنیت بهبود بخشید (قراپی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۱).

نورپردازی

یکی از مهم‌ترین عواملی که در افزایش حس امنیت موثر است استفاده از نور و روشنایی می‌باشد (قرایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۲). بدین معنا که در فضاهایی که روشنایی مناسبی ندارند، زمینه بروز رفتارهای ناهنجار و حتی ترس برخی مراجعه‌کنندگان از فضا به وجود می‌آید (آقابابایی و مختاری، ۱۳۹۱: ۷). نور مناسب به مردم کمک می‌کند که ببینند و دیده شوند، این امر موجب می‌شود با افزایش قوه احساس تحت مراقبت بودن، ارتکاب جرم کاهش یابد و مردم را تشویق می‌کند در محل بمانند زیرا رویت‌پذیری بیشتر مانع جرم می‌شود (قرایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۲). پارک‌ها در طی ساعات غروب کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند اما به نظر می‌رسد این همان زمانی است که بسیاری از استفاده‌کنندگان زمان آزاد و اوقات فراغت بیشتری دارند. اما زنده نگه داشتن فضاهای شهری و زیباسازی بیشتر آنها در شب، مستلزم تأمین روشنایی بهتر و بیشتر فضاهای شهری است. نصب تعداد زیاد منابع نوری، ارزش بصری بیشتری را نمی‌آفریند. در واقع مکان نصب منابع روشنایی، جهت تأثیر نور، نوع نور و ... از عواملی هستند که هم جذابیت فضاها را افزایش می‌دهند و هم کارایی آنها را بیشتر می‌نمایند (ادیبی و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۷-۷۰).

دسترسی‌پذیری

۱- دسترسی‌پذیری کالبدی: چنانچه انسان بتواند وارد فضایی شود، آن فضا واجد دسترسی‌پذیری کالبدی دانسته می‌شود، فارغ از این که بتواند درون آن را ببیند یا نه-۲- دسترسی‌پذیری بصری: هنگامی حاصل می‌شود که مردم بتوانند فضا را پیش از آنکه بدان وارد شوند ببینند، در مورد راحتی، جذاب بودن فضا و ایمنی آن قضاوت کنند (عسگری تفرشی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۰) (شاید نیومن یا دیگر صاحب‌نظران طبق این مورد، برای محصوریت فضا، نرده را بهتر از دیوار برای حفظ امنیت می‌داند)

۳- دسترسی‌پذیری نمادین: نمادها می‌توانند محرک یا غیر محرک باشند و فرد را برای ورود به فضایی ترغیب یا تهدید کنند. برای مثال: حضور افراد با ظواهر مختلف می‌تواند جذاب و یا دفع‌کننده باشد این مورد از دسترسی‌پذیری به صورت مستقیم با احساس امنیت و ترس از مورد خشونت قرار گرفتن در ارتباط است (عسگری تفرشی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱).

دید

تسلط و دیدن فضا و دیده شدن توسط مردم موجب ایجاد حس ایمنی است. چرا که تجمع گروهی از مردم، محیطی امن ایجاد می‌کند که موجب عدم ترغیب به جرم و جنایت می‌شود (عسگری تفرشی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱).

محصوریت

اگر ساختمان‌ها همانند قلاع نظامی به گونه‌ای طراحی شوند که نمای طبقه‌ی همکف آنها پوشیده شود. نتیجه این خواهد شد که فضا برای عابران پیاده بیروح و خسته‌کننده شده و مردم انگیزه‌ای برای قدم زدن در خیابان نداشته باشند. می‌توان با استفاده از نقاشی دیواری و کنده‌کاری، نماهای خالی را پر کرد و از بی‌خاصیتی آنها کاست، اما این تدابیر هرگز نمی‌تواند جای ادراک فعالیت‌ها را بگیرد. مردم از مشارکت همدیگر در زندگی شهری لذت می‌برند (لنگ، ۱۳۸۷: ۴۹۸).

جدول ۲. نظریات مرتبط با فرضیه تحقیق. ماخذ: نگارندگان.

مولفه‌ها	صاحب‌نظران	نظریه‌ها
عسگری تفرشی و دیگران	شونیر	تأمین امنیت فضای باز مجموعه‌های مسکونی توسط بدنه‌ها از طریق ایجاد حریم، سلسله مراتب و حفاظت از شرایط آب و هوایی یکی از اصلی‌ترین وظایف بدنه‌ها به حساب می‌آید.
	گهل	فضاهایی که دارای ویژگی‌های: در امان بودن، راحتی و بهره‌مندی (لذت) باشند بیشتر مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند.
	الین	اگر مردم فضایی را به دلیل عدم راحتی یا ترس استفاده نکنند، عرصه‌ی عمومی از بین رفته است.
	جیکوبز	استفاده موثر از حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرائم.
	هیلر	حضور مردم، احساس ایمنی در فضا را ارتقاء داده و به کمک آن می‌توان فضا را بطور طبیعی مورد نظارت قرار داد.

نظارت طبیعی بر نحوه دسترسی به سایت، چگونگی نورپردازی، باعث ایجاد امنیت در فضا می‌گردد.	چتر
ارائه تئوری پنجره‌های شکسته، امکان وجود امنیت با جلوگیری از وقوع جرم و کاهش جرم خیزی.	کیلینگ و دیگران
شفافیت و در معرض دید قرار گرفتن فضاهای عمومی، اشتیاق مردم به گزارش و برخورد با ناامنی و تخلفات.	جفری و نیومن
کنترل دسترسی‌های طبیعی با هدف کاهش فرصت دسترسی به جنایت؛ استفاده از محصوریت‌های که موجب افزایش قوت قلب و حس مالکیت ساکنین می‌گردد.	موسسه پیشگیری از جرم
مکان‌های اجتماع مردمی آن‌هایی هستند که فضای راحت نشستن، نور خوب و ملاقات با افراد دیگر را امکان پذیر سازند.	لنگ
ایمنی و امنیت اصلی‌ترین شرط سرزندگی شهری است. آنها را نه از بعد مدیریتی بلکه از دید کالبدی و فیزیکی می‌ایستمن	ایستمن

یافته‌های تحقیق

برای بررسی تاثیر امنیت بر اجتماع‌پذیری فضای باز مجتمع‌های مسکونی، پرسشنامه بین ۱۵۰ نفر از ساکنان مجتمع مسکونی مورد مطالعه توزیع گردید. نمونه مورد مطالعه واقع در شمال غرب شهر ایلام در سال ۱۳۸۹ ه.ش توسط دولت برای اقشار کم‌درآمد احداث گردید که شامل ۹۰۰ واحد؛ با نام مسکن مهر مشاغل آزاد(تنها مجتمع مسکونی دارای فضای باز، قابل استفاده برای گذران اوقات فراغت، در شهر ایلام) می‌باشد. مساحت کل مجموعه ۳۳۶۰۰ مترمربع و مساحت فضای باز آن ۱۸۰۰ مترمربع می‌باشد.

پرسشنامه‌ها در اواخر اردیبهشت ماه در سه روز متوالی از ساعت ۱۶ تا ۲۰، بین افرادی که برای گذران اوقات فراغت در فضای باز مجتمع مسکونی حضور یافته بودند، بصورت تصادفی توزیع شدند. پرسشنامه با ۱۸ سوال بسته تدوین گردید تا بتوان داده‌ها را با دقت و سرعت بیشتری تجزیه و تحلیل نمود. سوالات بر اساس روش لیکرت پنج گزینه‌ای(بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) طراحی شده که مربوط به سه فرضیه تحقیق می‌باشد و شامل مشخصات فردی از قبیل: میزان سن، جنسیت، شغل، تحصیلات و ... نیز می‌باشد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، توسط نرم‌افزارهای اکسل ورژن ۲۰۱۰، "اس.پی.اس.اس" نگارش ۱۹ و آموس ۱۴ به تحلیل داده‌ها پرداخته شده که در مقاله‌ی حاضر به بررسی یک فرضیه با ۱۰ سوال از پرسشنامه می‌پردازیم.

از تعداد کل افراد پاسخ‌دهنده تعداد ۴۵ نفر آنها مرد و ۱۰۵ نفر زن بوده‌اند. بازه‌ی سنی بین کمتر از ۱۲ سال تا بالای ۶۷ سال می‌باشد. همچنین ۷۳.۳ درصد پاسخ‌دهندگان دارای فرزند هستند. از نظر طبقه به ترتیب ۲۲، ۲۵.۳، ۱۶، ۱۷.۴، ۸ و ۱۱.۳ درصد پاسخ‌دهندگان در طبقات اول تا ششم ساکن هستند.



شکل ۳: وضع موجود مسکن مهر ۹۰۰ واحدی مشاغل آزاد در شهر ایلام. نسبت فضای مسکونی به فضای باز موجود. ماخذ: ۱۳۹۳/۳/۲۰ earth

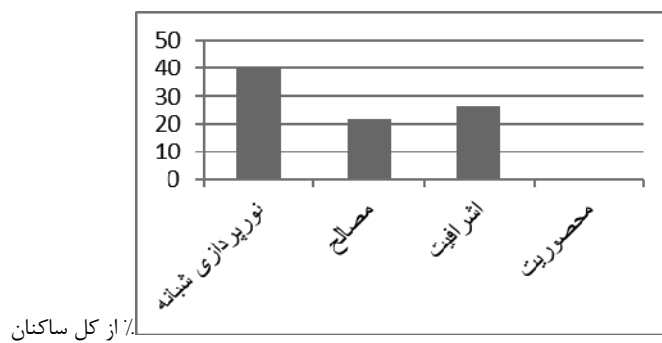


شکل ۴. وضع موجود فضای باز مسکن مهر ۹۰۰ واحدی مشاغل آزاد در شهر ایلام، محله‌ی جانبازان. ماخذ: نگارندگان.

نمودار ۳ و ۴ مربوط به نتیجه پاسخ سوالات پرسشنامه توسط ساکنان نمونه مورد مطالعه می‌باشد و نشان دهنده این است که فضای باز این مجتمع مسکونی از نظر استفاده کنندگان مولفه‌های مورد نیاز برای اجتماع‌پذیری و امنیت را دارا نمی‌باشد.



نمودار (۳). میزان رضایت ساکنین از امنیت مجتمع مورد مطالعه



نمودار (۴). میزان مولفه‌های موثر بر امنیت در مجتمع مورد مطالعه

پایایی پرسشنامه

پایایی بدین معنا است که اگر خصیصه مورد سنجش را با همان وسیله تحت شرایط یکسان و مشابه دوباره اندازه بگیریم نتایج حاصله تا چه حد مشابه، دقیق و قابل اعتماد است و بطور ساده تر یعنی ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی بدست می‌دهد. برای سنجش پایایی ابزار تحقیق، معروف‌ترین ابزاری که مورد استفاده اکثر پژوهشگران قرار می‌گیرد میزان آلفای کرونباخ مربوط به پرسش‌های موجود در پرسشنامه قابل محاسبه می‌باشد. میزان آلفای کرونباخ مربوط به پرسش‌های موجود در پرسشنامه محاسبه گردیده است. هر قدر شاخص آلفای کرونباخ به نزدیکی ۱ باشد، همبستگی درونی بین سوالات بیشتر و در نتیجه پرسش‌ها همگن‌تر خواهند بود. میزان پایایی آزمون سوالات پرسشنامه برابر ۰/۸۴ درصد محاسبه شد که با توجه به میزان آلفای کرونباخ که بین صفر تا یک بوده و عدد بیشتر

از ۷۰ درصد بیانگر سطح مطلوبی از پایایی است، می‌توان گفت که سؤالات پرسشنامه به میزان قابل قبولی توانسته موضوع مورد بحث را اندازه‌گیری کند. لذا پرسشنامه از پایایی خوب و قابل قبولی برخوردار بوده است.

مدل‌سازی معادله ساختاری

مدل معادله ساختاری ترکیبی از مدل‌های مسیر (روابط ساختاری) و مدل‌های عاملی تاییدی (روابط اندازه‌گیری) است. در مدل‌های مسیر پژوهشگر تلاش می‌کند تا با مجموعه‌ای از روابط یک سویه و دو سویه پدیده یا پدیده‌هایی را تبیین کند در حالی که متغیرهای حاضر در مدل از نوع مشاهده شده هستند. در مدل‌های عاملی تاییدی نیز پژوهشگر به دنبال تعریف سازه یا سازه‌هایی پنهان بر مبنای مجموعه‌ای از معرف‌هاست. در یک مدل معادله ساختاری به معنای عام، پژوهشگر از طرفی به دنبال آن است که مجموعه‌ای از متغیرهای پنهان را با مجموعه‌ای از معرف‌ها اندازه‌گیری کرده و از طرف دیگر روابط ساختاری بین متغیرهای پنهان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد هر چند ممکن است در این میان برخی از متغیرهای حاضر در مدل ساختاری از نوع متغیرهای مشاهده باشند. بنابراین با بهره‌گیری از این مدل‌ها می‌توان به طور همزمان به ارزیابی کیفیت سنجش متغیرها و مقبولیت اثرات مستقیم و غیر مستقیم و همچنین تعامل‌های تعریف شده میان متغیرها پرداخت.

در این قسمت به ارائه مدل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS می‌پردازیم. در مدل ساختاری، فرض بر این است که نمرات هر مورد مطالعه در یک متغیر، در واقع منعکس کننده وضعیت آن مورد در یک عامل زیربنایی‌تر است که به دلیل پنهان بودنش امکان اندازه‌گیری مستقیم آن وجود ندارد. اما این عامل زیربنایی و پنهان خود از ابعاد عامل پنهان دیگری محسوب نمی‌شود و در واقع تنها یک لایه از متغیر یا متغیرهای پنهان در مدل وجود دارد. نمودار ۴، بیانگر مدل ساختاری است که مطابق با مدل نظری پژوهش طراحی گردیده است. در این مدل ساختاری سه نوع متغیر وجود دارد که البته این سه نوع در دو نوع کلی‌تر قابل طبقه‌بندی هستند. این متغیرها شامل متغیر پنهان بیرونی (F_1)، متغیر مشاهده شده بیرونی (S_1) و متغیر خطا (e_1) هستند. متغیرهای F_1 و e_1 از نوع متغیرهای پنهان هستند که در ادبیات معادلات ساختاری با نماد دایره یا بیضی و متغیرهای S_1 از نوع متغیرهای مشاهده شده هستند که برای نمایش آنها از نماد چهارگوش استفاده می‌گردد. بر اساس مدل نظری ارائه شده، متغیرهای پنهان بیرونی، F_1 و F_2 هستند که در اینجا به ترتیب متغیرهای اجتماع پذیری و امنیت و متغیرهای S_4 تا S_{13} ، متغیرهای مشاهده شده (سؤالات پرسشنامه) هستند که عبارتند از:

S4: تا چه حد نگران آسیب دیدن کودکان خود در هنگام زمین خوردن در زمین بازی فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود هستید؟

S5: تا چه حد شبها به استفاده از فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود علاقه مند هستید؟

S6: تا چه حد از واحد مسکونی خود به فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود دید دارید؟

S7: تا چه حد از نورپردازی شبانه فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود راضی هستید؟

S8: تا چه حد شاهد حضور افراد غیر ساکن در فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود هستید؟

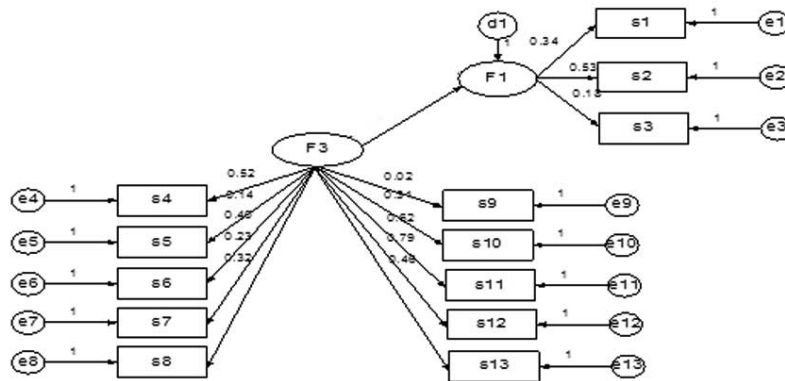
S9: تا چه حد از کفپوش‌های مورد استفاده در فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود راضی هستید؟

S10: تا چه حد از مبلمان‌های (میز، نیمکت، سطل آشغال) مورد استفاده در فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود راضی هستید؟

S11: تا چه حد از وسایل بازی بچه‌ها، در فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود راضی هستید؟

S12: تا چه حد به کودکان خود اجازه می‌دهید بدون حضور شما در فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود بازی کنند؟

S13: تا چه حد فضای باز مجتمع مسکونی محل زندگی خود را دارای امنیت می‌دانید؟



نمودار (۵). مدل ساختاری

آزمون فرضیه

فرضیه پژوهش به صورت زیر می‌باشد:

افزایش مولفه‌های امنیت مانند محصوریت فضا، اشرافیت ساکنین، کف‌سازی با مصالح مناسب، نفوذپذیری بصری و نورپردازی مناسب شبانه در افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی موثر می‌باشد.^{۱۱} با توجه به جدول (۳) میزان ضرایب همبستگی پیروسون و اسپیرمن به ترتیب برابر با ۰.۱۶۸ و ۰.۷۵ می‌باشد که در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد ($Sig < 0.05$). بنابراین فرضیه مورد پذیرش قرار می‌گیرد و می‌توان گفت که بین احساس امنیت و اجتماع‌پذیری فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به این معنا که با افزایش احساس امنیت، میزان اجتماع‌پذیری افزایش می‌یابد. از طرفی نتایج حاصل از تحلیل ساختاری جدول (۴) بیانگر این است که متغیر احساس امنیت در سطح اطمینان ۵ درصد ($Sig < 0.05$) به میزان ۰.۳۳۲ در اجتماع‌پذیری فضاهای باز موثر می‌باشد که در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۳. میزان ضرایب همبستگی پیروسون و اسپیرمن

ضریب همبستگی	ضرایب	سطح معنی‌داری
پیروسون	۰.۱۶۸	۰.۰۰۰
اسپیرمن	۰.۷۵	۰.۰۰۱

جدول ۴. ضرایب رگرسیونی یا بارهای عاملی

مسیر	ضرایب	انحراف معیار	سطح معنی‌داری
$F_3 \rightarrow F_1$	۰.۳۳۲	۰.۰۱۵	۰.۰۰۵

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه

نتیجه	فرضیه پژوهش
پذیرفته شد.	افزایش مولفه‌های امنیت مانند محصوریت فضا، اشرافیت ساکنین، کف‌سازی با مصالح مناسب، نفوذپذیری بصری و نورپردازی مناسب شبانه در افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی موثر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در صورت ایجاد فضاهای باز باید به کیفیت آنها از جنبه‌ی اجتماعی توجه ویژه داشت زیرا عدم توجه به آن، می‌تواند به تنهایی عامل جلوگیری از حضور مردم در این مکان‌ها باشد. ایجاد فضاهای باز عمومی و نیمه عمومی اجتماع‌پذیر، باعث افزایش روحیه‌ی اجتماعی در افراد و رشد و تقویت توانایی‌های روحی و جسمی آنها می‌گردد. مجتمع مسکونی مشاغل آزاد

ایلام فاقد سرانه فضای سبز استاندارد برای افراد ساکن در مجتمع می‌باشد و نتیجه تحلیل پاسخ سوالات ۴ تا ۱۳، نشان می‌دهد که در فضای باز آن، عوامل موثر بر اجتماع‌پذیری ایجاد نشده و فاقد مولفه‌های کالبدی امنیت می‌باشد. به همین علت حضور کودکان در این محل به تنهایی امکان‌پذیر نمی‌باشد و شبها با وجود نورپردازی مناسب، به علت نبود سایر موارد امنیت ساز، ساکنین امکان حضور کمتری دارند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد با افزایش مولفه‌های کالبدی امنیت در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی مانند: محصوریت، عدم حضور افراد غیر ساکن، نورپردازی مناسب شبانه می‌تواند اجتماع‌پذیری را در فضای باز مجتمع‌های مسکونی افزایش دهند و به حضور بیشتر ساکنان و ارتباط با یکدیگر کمک نمایند.

عوامل ایجاد امنیت از نظر کالبدی در فضای باز مجتمع‌های مسکونی

مولفه	عامل کالبدی	نتیجه
امنیت	محصوریت محوطه	عدم حضور افراد غیر ساکن در محوطه
	نورپردازی مناسب شبانه	استقبال شبانه‌ی ساکنین در محوطه
	کف‌سازی مناسب	ایمنی بیشتر
	مبلمان مناسب	ایمنی و استقبال بیشتر افراد
	چیدمان بلوک‌ها بصورت منفرد(یا در نظر گرفتن اقلیم شهر ایلام)	اشرافیت ساکنین به محوطه

منابع

- آقابابایی، م. و مختاری، م. (۱۳۹۱). امنیت در پارکها راهی به سوی توسعه پایدار شهری، کنفرانس ملی توسعه پایدار و عمران شهری، ۱۳۹۱/۹/۱۶، اصفهان، ایران.
- اسناد موجود در بایگانی شهرداری شهر ایلام، (۱۳۹۲/۱۱/۲۵).
- اوستروفسکی، و. (۱۳۹۰). شهرسازی معاصر، ترجمه: لادن اعتضادی، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم.
- الکساندر، ک. (۱۳۸۷). زبان الگو: شهرها، ترجمه: رضا کربلایی نوری، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ادیبی، علی اصغر و منعم، ع. و قاضی‌زاده، س. ن. (۱۳۸۵). اصول کلی نور پردازی در پارک‌های شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۷.
- انگورانی، م. (۱۳۸۹). زیبایی، شادابی، سرزندگی، جستارهای شهرسازی. شماره ۳۲.
- بحرینی، س. ح. (۱۳۸۲). فرآیند طراحی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- بری، ج. (۱۳۸۰). محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه: حسن پویان و نیره توکلی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ اول.
- بهزادفر، م. و قاضی‌زاده، ن. (۱۳۹۰). حس رضایت از فضای باز مسکونی، نمونه مورد مطالعه: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران، فصلنامه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی. شماره ۴۵.
- پوردیهیمی، ش. (۱۳۸۲). فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی، دو فصلنامه صفا، شماره ۳۶، سال سیزدهم.
- حبیب، فرح و نادری، س. م. و جهانشاهلو، ل. و فروزانگر، ح. (۱۳۹۱). سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تاکید بر نقش فضاهای عمومی-مطالعه موردی: شهر تهران، فصلنامه هویت شهر، شماره ۱۲، سال ششم.
- حائری، م. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت (بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرآیند و معیارهای طراحی خانه)، تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- خدائی، ز. و رفیعیان، م. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای موثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، فصل‌نامه راهبرد، هجدهم، شماره ۵۳.
- دانشپور، س. ع. و چرخچیان، م. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، فصلنامه باغ نظر، شماره ۷.
- دانشگرمقدم، گلرخ و بحرینی، ح. و عینی‌فر، ع. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از اداراک طبیعت در محیط انسان ساخت-نمونه موردی: نمونه‌های مسکونی شهر همدان، فصلنامه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۴۵.
- دادپور، س. (۱۳۹۱). معیارهای سرزندگی فضای شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۳۷ و ۳۸.

- دلال پورمحمدی، م. (۱۳۷۵). برخی ملاحظات برنامه‌ریزی و طراحی در بافت فیزیکی مجتمع‌های مسکونی، تهران: مجموعه مقالات سومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن، چاپ اول.
- رفیعیان، م. و عظیمی، م. و مقدم، ح. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی (نمونه موردی: شهر قدیم لار)، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۱۶.
- رفیعیان، م. و عسگری‌زاده، ز. و فرزاد، م. (۱۳۹۲). مطلوبیت سنجی محیط‌های شهری، تهران: انتشارات شهر، چاپ اول.
- رفیعیان، م. و سیفایی، م. (۱۳۸۴). فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
- سلطان‌زاده، ح. (۱۳۸۵). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ سوم.
- سجادی قائم مقامی، پ. و پوردیهیمی، ش. و ضرغامی، ا. (۱۳۸۹). اصول پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی از دید جامعه صاحب نگران و متخصصان ایرانی، دوفصلنامه صفا، شماره ۵۱.
- شولتز، ک. (۱۳۹۲). مفهوم سکونت- به سوی معماری تمثیلی، ترجمه: محمود امیر یار محمدی، تهران: انتشارات آگه، چاپ پنجم.
- شوائی، ف. (۱۳۸۴). شهرسازی، تخیلات و واقعیات، ترجمه: سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صالحی‌نیا، م. و معاریان، غ. (۱۳۸۸). اجتماع‌پذیری فضای معماری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۴۰.
- صمدی فرد، ز. و موحد، خ. و جهانبخش، ح. (۱۳۹۲). بومی سازی و پایداری معماری مجتمع‌های مسکونی با بهره‌وری از فضاهای عمومی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، ۱۳۹۲/۱۰/۵، مشهد، ایران.
- طرح تفصیلی شهر ایلام، مصوب ۱۳۸۰، آرشو راه و شهرسازی استان ایلام، استفاده توسط نگارندگان در (۱۳۹۳/۱/۱۶).
- عینی‌فر، ع. (۱۳۸۴). محدوده‌های مجتمع‌های مسکونی و تداوم کالبدی شهر- مطالعه‌ی موردی شهر تهران، فصلنامه ابنوه‌سازان مسکن، شماره ۱۵.
- علائی، ر. (۱۳۹۱). نورپردازی مناسب و تامین امنیت شهری، کنفرانس ملی توسعه پایدار و عمران شهری، ۱۳۹۱/۹/۱۶، اصفهان، ایران.
- عینی‌فر، ع. (۱۳۸۶). نقش غالب الگوهای عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۳۲.
- عینی‌فر، ع. و قاضی‌زاده، ن. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی تهران با معیار فضای باز، دوفصلنامه آرمانشهر، شماره ۵.
- عسگری تفرشی، ح. و ادیب‌زاده، ب. و رفیعیان، م. و حسینی، س. (۱۳۸۹). بررسی عوامل محیطی موثر در نوسازی بافتهای فرسوده شهری به منظور افزایش امنیت محلی (نمونه موردی: بافت فرسوده محله نعمت آباد منطقه ۱۹ تهران)، فصلنامه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶.
- فرگاس، ج. (۱۳۷۹). روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی، ترجمه: مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران: انتشارات مهد.
- قزایی، فریبا و رادجهانبانی، ن. و رشیدیپور، ن. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری، دوفصلنامه آرمانشهر، شماره ۴.
- کامی، ا. و کریستینا، ب. و اشتاینر، ج. ب. (۱۳۸۲). تیپولوژی ساختمان‌های مسکونی حیاطدار، ترجمه: حسین ماهوتی‌پور، تهران: انتشارات امین دژ، چاپ اول.
- کشفی، م. و حسینی، س. ب. و نوروزیان ملکی، س. (۱۳۹۱). نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلند مرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ پژوهش موردی: برج بین‌المللی تهران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰.
- لنگ، ج. (۱۳۸۸). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لنگ، ج. (۱۳۸۷). طراحی شهری، ترجمه: سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مردمی، ک. و قمری، ح. (۱۳۹۰). الزامات معماری تأثیرگذار در اجتماع‌پذیری فضای ایستگاه‌های مترو، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷.
- مدنی‌پور، ع. (۱۳۹۱). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه: فرشاد نوریان، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، چاپ سوم.
- مظفر، ف. و حسینی، ب. و باقری، م. و عظمتی، ح. (۱۳۸۶). نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان، فصلنامه باغ نظر، شماره ۸، سال چهارم.
- معینی، م. و اسلامی، س. غ. (۱۳۹۱). رویکردی تحلیلی به کیفیت محیط مسکونی معاصر، فصلنامه هویت شهر، شماره ۱۰، سال ششم.
- نیومن، ا. (۱۳۸۷). خلق فضای قابل دفاع، ترجمه: فائزه رواقی و کاوه صابر، تهران: انتشارات طحان، چاپ اول.
- وحیدی، ز. (۱۳۹۱). بررسی عوامل ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضای باز مجتمع‌های آپارتمانی با طراحی نمونه موردی در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.
- شجاعی، د. و پرتوی، پ. (۱۳۹۴). عوامل موثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)، فصلنامه باغ نظر، شماره ۳۴، سال دوازدهم.

- نعیمی نظم آباد، ز. و فرج پور، م. و امیرشقایق، م. (۱۳۹۴). میزان سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافت‌های قدیمی باهمستانهای شهری؛ نمونه موردی: محله درب نو گرگان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۸.
- خاک زند، م. و بقالبان، آ. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه باز مجتمع‌های مسکونی (نمونه موردی: مجتمع مسکونی منطقه ۲۲)، فصلنامه معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۱.
- www.google earth.com, achived at 2014/04/03 published at 2014/04/16.